



سمبولیسم اجتماعی و سیاسی در اشعار اخوان ثالث

غلام رضا دانش پژوه^۱، دکتر ناصر کاظم خانلو

۱- (نویسنده مسئول) دانش آموخته ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

rezasegal@yahoo.com

pnu.khanloo@yahoo.com

چکیده

یکی از جریان‌های مهم شعر نو فارسی، سمبولیسم اجتماعی است که با نیما یوشیج آغاز شد و در دهه ی چهل به دلیل شرایط اجتماعی آن زمان به اوج خود رسید. سمبولیک یا شعر نمادی از جریان‌های مهم شعر معاصر است که از عوامل گرایش شاعران معاصر به شعر نمادین و سمبولیک تغییر فضای سیاسی و اجتماعی جامعه و اختناق و خفقان شدید نظام مستبد حاکم بر آن است. از هدف‌های کاربردی نماد یا سنبل در شعر شاعران معاصر خلق شعری با بافت مبهم و عمیق و ایجاد تاثیر در مخاطب و شرکت دادن او در آفرینش معنای شعر از حالت تک معنایی به سوی چند معنایی و داشتن خواننده و مخاطب به درنگ و تأمل در معنا و مفهوم شعر است. سمبولیسم (نماد و نمادگرایی) هنر کاربرد نماد برای هر چیزی است که بتوان تصورش را کرد در واقع بیانگر موضوعی است که به رمز یا به واسطه مضمونی دیگر ابراز شود.

رمزگرایی در شعر معاصر ایران از یک محصول آشنایی با مکتب سمبولیسم و تاثیرپذیری از آن و از سوی دیگر حاصل شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی است که شاعران در آن زیسته اند این جریان اجتماعی (سمبولیسم) توسط نیما یوشیج (با شعر ققنوس که اثری کاملاً نمادی و رمزی است) بنیان گذاری شد و پس از نیما شاعران چون: شاملو، اخوان ثالث، فروغ فرخ زاد، سیاوش کسرای و شفیعی کدکنی یاد کرد که در دهه های سی و چهل از قرن حاضر این جریان را به اوج خود رساندند.

سروده های اخوان ترسیم آمیزه‌ای از "تعهد اجتماعی و هنر شاعری اخوان" به شمار می‌رود. توصیف، نمایش و استنتاج بافت اصلی این سروده ها را تشکیل می‌دهد. شاعر در این سروده ها از طریق کنایات، نمادها و روابط حاکم بر آن‌ها، مفاهیم مورد نظر خود را به خواننده القا می‌کند. انسجام مطالب و آفرینش تصاویر شاعرانه، تجربه‌های ملموس اخوان را از وضعیت اجتماعی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به خوبی ترسیم می‌کند. نتیجه نشان می‌دهد با این پژوهش می‌توان به شناخت بهتری از این سروده به ویژه از منظر سمبولیسم اجتماعی و جامعه‌شناسی ادبی دست یافت.

در این مقاله پس از تعریف سمبولیسم اجتماعی و ظهور شعر سمبولیک فارسی به شباهت‌ها و تفاوت‌های شعر سمبولیک فارسی با اروپایی و سپس شعر سمبولیک مهدی اخوان ثالث پرداخته شده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا انجام گرفته است.

کلید واژگان: سمبولیسم یا نمادگرایی، سمبولیسم اجتماعی، شعر فارسی معاصر، اخوان ثالث

مقدمه:

بیشتر مسایل اجتماعی، فرهنگی و تاریخی هر ملتی را میتوان در آثار ادبی آن سرزمین جستجو کرد از آنجا که ادبیات تولیدی اجتماعی است با مطالعه آن می‌توان ساختار اجتماعی و فرهنگی و همچنین زوایای تاریک و پنهان ویژگی‌های زندگی آن اجتماع را نیز شناسایی کرد. در دهه ۳۰ و ۴۰ قرن حاضر



گرایشها و جریانهای گوناگونی در شعر معاصر رخ نمود که در هر یک جریانها شاعران متعددی آثار بسیاری را چاپ و منتشر کردند یکی از مهمترین و معروفترین از این این جریانها، جریانی است که از آن با عنوان (جریان سمبولیسم اجتماعی و سیاسی) یا شعر رمز گرایی جامعه گرا تعبیر می شود. سمبولیسم اجتماعی جریانی است که نسبت به آرمانهای انسانی و اخلاقی، خود را متعهد و مسئول می داند و برای شعر مسئولیت و رسالت اجتماعی و سیاسی قائل است، یا به تعبیر دیگر شاعران این جریان بر این باورند که هنر و شعر باید در خدمت اجتماعی و تعالی نوعی بشر باشد (شمیساو حسین پورچافی، ۱۳۸۰: ۴۰)

شاعران این جریان با احساس تعهد در برابر جامعه و به کارگیری زبان نمادین، می کوشند تا وضعیت حاکم بر جامعه خود را بهتر ترسیم کنند. یکی از شاعران اخوان ثالث است که توانسته است مسائل اجتماعی عصر خویش و پیامدهای آن را در سروده های خود منعکس کند. "رضا سید حسینی" در تعریف سمبولیسم پیوسته در قلمرو انتقاد گریزان است و ماهرانه خود را از تشریح و توضیح نجات می دهد. گروهی در آن تصوف می بیند و اثری از عرفان پیشین شرق و غرب می یابند. عده ای آن را، راهی برای ایجاد زبانی تازه در شعر می شمارند. بعضی آن را کوشش برای گرفتن وسیله بیان از هنرهای دیگر می دانند، چنان که اغلب سمبولیست ها از اینکه می توانند با موسیقی رقابت کنند، بر خود می بالند به این ترتیب کار تعریف و توصیف این مکتب مشکل می شود (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۳). بنابر این سمبولیسم اجتماعی به عنوان یک اصطلاح ادبی به مکتبی گفته می شود که به نماد و نماد پردازی در شعر اصالت می دهد. شعر سمبولیسم، شعری است که شاعران از "نماد" یا "سمبل" در شعر خود استفاده کرده اند. نماد یا سمبل، تقریباً حالت کلیشه ای و ایستا دارد و در فرهنگ، هنر شعر و دیگر عناصری که با زندگی جمعی انسان ارتباط دارد، به کار می رود. و شاعرانی که شعر آنان جریانی به نام سمبولیسم اجتماعی به وجود می آورد، کسانی بودند که از نماد و سمبل در مفهوم و معنی خاصی استفاده کردند و به دلیل اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی که در آن زندگی می کردند نمی توانستند از نمادهای معمول استفاده کنند. به این سبب خود آنان نماد سازی کردند. به سبب وجود این مساله است که اغلب اشعار آنان رنگ اجتماعی دارند و اوضاع جامعه ایران در دهه های چهل و پنجاه در شعر اخوان به صورت تصویرها، رمزها، کنایه ها، و ایماها منعکس است.

سمبولیسم:

اصل کلمه سمبل (نماد) "سوم بولون" (یونانیست به معنی به هم چسباندن دو قطعه مجزا که از فعل سومبالو^۱ (می پیوندم) مشتق است و حاکی از چیزی است که به دو قسمت شد باشد (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۵۳۸) لغت سمبل به معنی وحدت و پیوستن است. خود سمبل در آغاز به شیء دو نیمه از جنس فلز یا چوب اطلاق می شده که هر نیمه آن دست کسی بود، مثل دو دوست یا دو نفر که مدتی از هم دور بودند. این دو نفر پس از مدتی دو نیمه این شیء را کنار هم قرار می دادند و قول و قرار قبلی خود را تجدید می کردند در عالم اندیشه و معنی نیز سمبل یا رمز عامل وحدت دوباره است و اضداد را به هم می پیوندد و تعارضات را کاهش می دهد پس رمز متضمن نوعی دوگانگی است که دو قطب آن مکمل یکدیگرند و به همین دلیل است که حداقل می توان آن را به دو شیوه متضاد تفسیر کرد. واژه "سمبولیسم" به عنوان یک اسم عام همانند "رمانتیسزم" و "کلاسیسیزم" مفهوم بغایت وسیعی دارد. این واژه را می توان برای توصیف هر شیوه بیانی به کار برد که به جای اشاره مستقیم به موضوعی، آن را غیر مستقیم و به واسطه موضوع دیگری بیان کند. (چدویک، ۱۳۷۵: ۹)

سمبولیسم را می توان هنر بیان افکار و عواطف نه از راه شرح مستقیم، نه به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادهایی بی توضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده است (همان منبع، ۱۱)

¹ SYMBOLOM

² SUMBOLOM

³ SUMBALL



بنابراین سمبولیسم را می توان کوششی برای رخنه در فراسوی جهان تصورات دانست، خواه تصورات درون شاعر و نیز عواطفش، خواه تصورات به مفهوم "دایره افلاطون" یعنی جهان فرا طبیعی کاملی که انسان آرزوی رهایی به آن را دارد. (همان، ۱۴)

پیشینه سمبولیسم

در اواخر قرن نوزدهم شاعران فرانسوی که از زبان خشک نویسندگان واقع گرا به سطوح آمده بودند مکتب نماد گرایی را بنیان نهادند. این مکتب بعد از مکاتب ادبی مثل، ناتورالیسم، رئالیسم و رمانتیسم در اروپا به وجود آمد و بر سیر تحولات ادبی کشور های دیگر نیز تاثیر گذاشته است. به کار بردن سمبولیسم "نماد" در آثار ادبی جهان، در تمام دوره های تاریخی کم و بیش وجود داشته است اما آنچه به عنوان نماد گرایی در اروپا مشهور شد در اواخر قرن نوزدهم بود. جریان سمبولیسم در اواخر قرن نوزدهم فعالیت خود را شروع کرد (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

سمبولیست ها پیش از منحطان کسب موفقیت کردند و قواعد محکم تر و مهم تری بیان داشتند زیرا مطالعاتشان بیشتر و هوس و آرزوی هایشان کمتر از آنان بود آنها تقریباً همان هدفی را که شاعران دوره انحطاط داشتند برای خود اختیار کردند و از شعر جدیدی که از زمان بودلر به بعد به میان آمده بود به دفاع پرداختند به دنبال مقاله ها و مجلاتی که شاعران جوان از سال ۱۸۸۴ م. انتشار می دادند عاقبت ژان موره آس^۴ شاعر یونانی نژاد بیانه یی مکتب جدید را در شماره ۱۸ سپتامبر ۱۸۸۶ ضمیمه ادبی روزنامه "فیگارو" انتشار داد که سر و صدای زیادی در محافل ادبی به پا کرد در این بیانه بود که "موره آس" برای نخستین بار کلمه سمبولیسم را در مورد این مکتب به کار برد و از آن پس مکتب جدید به همین اسم نامیده شد. (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۵۴۱)

از نظر فکر، سمبولیسم بیشتر تحت تاثیر فلسفه ایده آلیسم بود که از متافیزیک الهام می گرفت و در حوالی سال ۱۸۸۰ در فرانسه باز رونق می یافت (همان منبع: ۵۴۳). موره آس برای نخستین بار کلمه سمبولیسم را در مورد این مکتب به کار برد و از آن پس، مکتب جدید به همین نام -- سمبولیسم -- مشهور شد. شعر سمبولیسم مکتبی ادبی بود که استفاده از نماد و مفاهیم نمادین را توصیه می کرد و پیروان آن معتقد بودند که باید از راه آهنگ داخلی کلمات، دقایق حساس و احوال روحی را که بیان مستقیم آنها امکان ندارد به خواننده یا شنونده القا کند (تولستوی، ۱۳۵۰: ۹۰)

این مکتب همچون مکاتب دیگر به زودی و حتی سریعتر از مکاتب دیگر جای خود را در ادبیات دنیا و ادبیات معاصر فارسی باز کرد حرکت نخستین این مکتب در فرانسه و با نمایندگی پررنگ شارل بودلر (م ۱۸۶۷) و انتشار دیوان مشهور او به نام گل های اهریمنی آغاز شد بنیان گذار این مکتب شاعری به نام "استفان مالارمه" ۱۸۹۸ م. و از برجسته ترین پیروان این مکتب یکی پل ورنل ۱۸۹۶ م. و دیگر تریستان کربی و پس از آرتور رمبور بود. ۱۸۹۱ م. مزیت این جریان ادبی پیشرفت سریع آن و منطبق شدن با مقتضیات زمان بود (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ۵۳۹) آنها اعتقاد داشتند اثر هنری باید تا حد ممکن از بیان مستقیم مفاهیم فرار کند و به نشانه ها پناه ببرد. شارل بودلر بنیان گذار این مکتب بود و در میان کسانی که از بودلر الهام گرفتند و با آثار خود زمینه ای برای پیدایش سمبولیسم (نماد گرایی) آماده ساختند پل ورن، آرتور رمبور و استفان مالارمه در این زمینه از همه مشهور ترند.

چگونگی پیدایش شعر سمبولیک فارسی

در ایران مکتب خاصی با عنوان نماد گرایی (سمبولیسم) وجود نداشت بلکه کاربرد نمادها، مقارن با ظهور عرفان و تصوف گسترش پیدا کرد. شاعران عارف یا عارفان شاعر با استفاده از رمزها و سمبولها سعی در ساختن تصویر هایی داشتند که بر باطن اشیاء دلالت کند نخستین شاعری که مضامین عرفانی را

⁴ MOREAS



نمادین بیان کرده، سنایی غزنوی است. او در حدیقه الحقیقه برای بیان آئین و طریق تصوف از زبان رمز استفاده کرده است و در شعر فارسی تحول عظیمی به وجود آورد. نماد گرایی به همین شیوه در آثار دیگر شاعران ادامه یافت تا در دوره معاصر تحول جدیدی یافت و نماد از صرف معانی عرفانی به زمینه های اجتماعی هم رسید. نماد گرایی با "زمینه اجتماعی مقوله ای کاملاً جدید است که نیما یوشیج همراه با دیگر نوآوری ها و تغییر و تحولات آن را نیز وارد حوزه شعر کرد هر چند نیما در این شیوه از سمبولیسم های فرانسه تأثیر پذیرفته، اما تأثیر پذیری او از ادبیات کهن فارسی مخصوصاً شعر نماد گرایی عرفانی و حکایات های تمثیلی را نباید نادیده گرفت". (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

در مورد دلایل ظهور شعر سمبولیک فارسی باید به زمینه تاریخی به وجود آمدن این مکتب ادبی در ایران توجه داشت "پس از روی کار آمدن رضاخان و قدرت یابی او در دهه نخست این قرن، شاعران به رمزهای اجتماعی روی می آوردند. به نظر می رسد شعر در این ایام، به اعتبار برقراری فضای بسته سیاسی به این نوع گرائید. (تسلیمی، ۱۳۸۳: ۸۳)

در هر دوره ای از تاریخ که محدودیت های اجتماعی شدت گرفته است و فضای حاکم بر جامعه همراه با استبداد و خفقان بوده است شاعران به ایهام و نماد گرایی روی آورده اند در ایران از سالهای دور شاعران چون ناصر خسرو، فردوسی، حافظ در عصر حاضر در دوره مشروطه به بعد شاعرانی مانند لاهوتی، رفعت، بهار پس از آن نیما، شاملو، اخوان و سهراب به این مکتب روی آورده اند و همان طوری که گفته شد ترس و وحشت از تبعید و توقیف آثار به دلیل فضای دیکتاتور حاکم بوده است و بدیهی است شاعران متعهد و ملتزم به مردم و جامعه در هر دوره ای وجود داشته اند، تا در برابر ظلم و جور و ستم به شیوه های گوناگون و زبانی متناسب با دوره خود ایستادگی و عکس العمل نشان دهند.

مهدی زرقانی درباره زمینه پیدایش شعر سمبولیسم اجتماعی می نویسد: "فضای اختناق آمیز پس از کودتای ۲۸ مرداد شرایط را برای ظهور این گرایش شعری کاملاً فراهم کرد. (زرقانی، ۱۳۸۷: ۵۳۳)

اما تولید شعر سمبولیسم اجتماعی در ایران سابقه طولانی تری دارد، اما در عصر حاضر و در دهه سی و چهل به اوج خود می رسد. برخی از تحولات از جمله تحول در ساختار حکومتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی و فرهنگی و سبب ظهور مضامین و مفاهیم جدیدی در شعر معاصر شده است و شاعران از این گونه تغییرات در شعر خود بهره جسته اند. چنانچه کو دتای ۲۸ مرداد ۳۲ را مبنایی برای تغییرات در شعر قرار دهیم، شاهد آن هستیم که تغییرات شعری اوج شعر سمبولیسم اجتماعی به دلیل تحول و تغییر در ساختار حکومتی، سیاسی، و اجتماعی و... بوده است "چهار برادر شعر معاصر عبارتند از: رمانتیسم فردی و رمانتیسم اجتماعی، سمبولیسم اجتماعی، و رئالیسم اجتماعی سو سیالیستی، رئالیسم فردی، در این دوره از دیگر برادران به سر و گردن بالاتر است اما در دوره بعدی، سمبولیسم اجتماعی است که در جلو صف ایستاده و برادران دیگر را پشت سر نهاده است. بدین ترتیب، می توان گفت دوره مورد بحث، دوره رواج رمانتیسم فردی است و دوره بعدی، دوره رواج سمبولیسم اجتماعی، رمانتیسم اجتماعی است (همان منبع، ۳۵۴)

"نماد گرایی" (سمبولیسم) در شعر، با هر صبغه و زمینه اجتماعی و سیاسی، عرفانی، یا صرفاً شاعرانه، اساساً پیچیده ترین فراورده تخیل شاعرانه است، یعنی بهره گیری از این وسیله بیانی کار هر شاعری که شهم و نیز تجربه کافی در آن نداشته باشد نیست زیرا به سبب گستردگی مفاهیم و بارهای معنایی و دامنه فراخ تداعی های موجود در هر نماد از سوی و پیوند و ارتباط کما بیش پیچیده ای میان نماد های درون هر شعر نمادین از سوی دیگر، نیاز به تخیلی در سطوح بالای فرهیختگی و پروردگی و اندیشه شاعرانی ژرف و فراخ دارد که قادر است ماده های گوناگون را در هم بتند و در درون شهر جا بیندازد (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

محمد رضا شفیعی کدکنی دوره اوج شعر اجتماعی (سمبولیسم اجتماعی) را پس از شهریور ۱۳۲۰ می داند و می نویسد: "مترقی ترین صدا باز صدای نیماست که دیگر آن صبغه و جنبه رمانتیک را ندارد و کاملاً اجتماعی و سیاسی است و نوعی حرکت بیشتر به سمت سمبولیسم اجتماع گرا است (شفیعی



کدکئی، ۱۳۸۰:۵۹) نیما به عنوان مبتکر این نوع سبک شعریمعتقد بود که شعر باید مسائل اجتماعی و زندگی ارتباط داشته است به گفته " حتی شاعری که حس می کندو غیرتی دارد تمایلی به زندگی مردم نشان می دهد(یوشیح، ۱۳۵۱:۱۰۸)

ویژگی های زبانی و ادبی شعر سمبولیک فارسی

الف) استفاده از سمبل و بیان نمادین

ب) تغییر در شیوه استفاده از قالب ، وزن و قافیه

ج) استفاده از واژگان رسمی و زبانهای محلی

د) استفاده از بیان حماسی

ویژگی های محتوایی شعر سمبولیک فارسی

الف) آگاهانه بودن اشعار شاعران

ب) توجه به میراثهای ادبی باستان

ج) اعتقاد و تعهد به رسالت اجتماعی

د) تغییر نگاه شاعران به جهان

یکی از برجسته ترین ویژگی های شعر سمبولیسم اجتماعی و سیاسی، همان گونه که از نامش پیداست، استفاده از سمبل و بیان نمادین است، به گونه ای که این اشعار دارای دو لایه ظاهری و باطنی هستند یعنی ابتدا خواننده به لایه ظاهری آن توجه دارد، مثلا هوا سرد است که اگر به ظاهر آن توجه داشته باشیم فقط سرد بودن هوا برداشت می شوداما با کمی تفکر در می یابیم که شعر دارای معنای باطن نیز هست که مقصود شاعر بوده است و از سردی هوا، خفقان حاکم بر جامعه برداشت می شود ، و لازم است بدانیم که در این دوره نماد های شاعران با هم فرق دارد و هر یک تحت تاثیر عناصر زبانی و حوزه های محیطی قرار گرفته اند و این سبب شده است که نماد های هر یک از شاعران بیش از آنکه عمومی و متعهد باشند شخصی و منفرد هستند با توضیحاتی که داده شد حال به ویژگی های شعر سمبولیک اخوان ثالث می پردازیم.

شعر اجتماعی و ضرورت وجود آن در اجتماع

همیشه و همه جا شعر ، آئینه تماشای روح جامعه و فرصت فهم دغدغه ها، نگرش ها ف آرمان ها ، کامیابها و ناکامیهای اجتماعی بوده است.....از دیر باز تاریخ بشر، شعر به عنوان مهم ترین هنر و ارجمند ترین رویکرد هنری، جایگاهی عزیز و ارجمند را در ذهن ، دل و اجتماع انسانی، به خود اختصاص داده است و به همین دلیل، نقش های بسیاری را در تاریخ مناسبات انسانی به عهده گرفته است شعر می تواند به عنوان برترین رسانه و مقتدر ترین آن، به ایفای نقش قدرتمند خود در پاسخگویی به نیازهای معرفتی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ، عاطفی و فرهنگی انسان امروز پردازد و همچنان به عنوان هنر پیشرو، هدایت عمومی و ذوق بشری را به سوی تعالی و رشد بر عهده گیرد.



شعر اجتماعی شعری فایده مند و شعری است مردمی، سروده هایی که به میان مردم رفته و رفتارها را تحت تاثیر قرار داده است و شامل اشعاری است که به میان مردم رفته و رفتارها را تحت تاثیر قرار داده است و شامل اشعاری که به نقد صفات ناشایست بشری یا انسان را به صفات شایسته بشری فرا می خواند البته با ساختاری زیبا. (یزدی نژاد، ۱۳۹۲: ۲۸)

بی هیچ تردیدی شعر در پایداری و اشاعه زبان و فرهنگ دیرینه و پر بار ایران از روزگاران کهن تا به حال موثرترین عامل بوده و هست و شاعران همیشه نقش بسیار مهمی را ایفا کرده اند. چه در روزگاری که یکی از طبقات و مشاغل مهم در باری بوده اند و چه از روزگاری که نقش وسیع تری را در اجتماع به عهده گرفتند. هر چند در برهه هایی از زمان، شعر وسیله ای برای ابراز بیان عواطف شخصی بوده و هست ولی وجه غالب، در بردارنده و بیانگر درد های اجتماعی و مبارزه با ستم و پایداری در همه خوبی ه

و پرهیز از مظاهر کین و نفرت، آزمندی و دروغ و نیرنگ و شر انگیزی است. در حقیقت شعر اجتماعی به نوعی پیام آور ژرف اندیشی، نازک بینی، نمود زیبایی و التذاد و درک مسایل مورد توجه انسان بوده و هست و غنی ترین دستاورد شعر فارسی مسائل معرفتی و اجتماعی است و رویکرد شاعران به موضوعات اجتماعی بیشتر بوده است تا نگاهشان به بیان عواطف شخصی و مقوله های فردی.

شعر اجتماعی یکی از موثرترین و نافذترین راه های ابراز اندیشه، اظهار مکنونات قلبی و تمنیات درونی آدمی تلقی می شود و با تفکر و گرایش به نغمه های روح بخش اجتماعی، زمینه حضور خود در جامعه را مهیا می کند و به این وسیله از خود پرستی و خود خواهی به سرچشمه زلال عشق ورزی و نوع دوستی رهنمون می گردد که باروری از اجتماع، گریز از جامعه و نیل به خود کامگی، شخصیت انسانی خود را متلاشی ساخته و به پست ترین نقطه وجودی خود سقوط می کند. (همان منبع، ۱۱۵)

ویژگی های شعر اجتماع

گفته شد که شعر اجتماعی سروده هایی است که به میان مردم رفته و رفتارها را تحت تاثیر قرار داده است این نوع شعر همانند دیگر گرایش های هنری دارای ویژگیهایی است از آن جمله:

۱- شعر اجتماعی مخاطب عام دارد و طبقات و اقشار اجتماعی را به طور یکسان مخاطب خود می سازد بنابراین در گویش شخصی یا قشر خاصی از اجتماع انسانی نجوا می کند و با فقیر و غنی، برنا و پیر و زن و مرد سخن ها دارد.

۲- شعر اجتماعی در میان اقشار و توده های مردمی نشات می گیرد و از ذهن. زبان شعرای درد آشنا و مردمی بیان می گردد لذا شعر اجتماعی شعر درباری، فرمائی و مانسبتی نیست بلکه از درد مردم سخن می گوید.

۳- شعر اجتماعی به جهت منعکس کردن مسائل، مشکلات و معضلات اجتماعی، تجلی گاه یا آئینه تاریخ اجتماعی ملت ها تلقی می گردد بنابراین راوی وقایع روزمره و رویداد های بزرگ و کوچک جامعه انسانی است.

۴- شعر اجتماعی به دلیل معنویت گستری و عمومیت مخاطبین و تحکیم هنجارهای مثبت، طبقات اجتماعی را به یکدیگر نزدیک می کند و دراز بین بردن فواصل طبقاتی تاثیر بسزایی دارد.

۵- شعر اجتماعی گاه برای مطرح نمودن مسایل روزمره یا اساس زندگی مردم پای در عرصه انتقاد، طنز، تعریض و اعتراض نیز نهاده است و از این طریق راه را برای اصلاحات اجتماعی، تحولات فرهنگی و دگرگونی های لازم جهت تغییر ساختار اجتماعی جوامع بشری گشوده و هموار نموده است.



۶- شعر اجتماعی به دلیل گستردگی مخاطبان، عبور از مرزهای زمان و مکان جایگاه مردمی و اقبال عمومی نسبت به آن، می توان از آن به عنوان بهترین جلوه های " شعر ملی " یاد نمود و به عنوان یک تاریخ گویا یا آئینه ای تاریخ یک ملت به آن نگاه کرد زیرا بیانگر یک تلاش جمعی در راستای احقاق حق جمعی است. (یزدی نژاد، ۱۳۹۲: ۸۰)

هدف شعر سمبولیک اجتماعی

هدف شعر سمبولیک اجتماعی این است که خواننده با حوادث عصر خود آشنا شود دیگر صبغه فردی برای شاعر مطرح نیست و خود را در میان مردم جامعه می بیند و به اجتماع می گراید و اینگونه شاعران به قول نیما باید غیرتی داشته باشند که به زندگی مردم تمایل داشته باشند و نیز احساس و عاطفه برخی محور اصلی تمام عواطف را اجتماع و مردمش می داند، همان طوری که احمد شاملو نیز در این باره می گوید: هیچ وقت تصور نمی توانم بکنم که شعر اثر مستقیم زندگی نباشد یا چیزی باشد جدا از ضربه های زندگی، من فکر می کنم این اصلا صدای آن ضربه هاست. در این هیچ شکی نیست منتهی من نمی توانم چه کوششی بکنم که این ضربه ها به یه نحوی به صورت شعری در بیاید و نوشته بشود خود به خود این کار می شود. (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۱۰۹)

" شعر اجتماعی شعری است که با جان و جوهره جامعه گرا و انسان مدار بر پایه فلسفه تکامل تاریخ که بیانگر آرمان های جمعی مردم است در این قلمرو، شاعر با هدف بیدادگری و ارتقای بینش و ادراک توده های مردم، همگام و هم پیوند با عواطف و اندیشه های آنان به میدان می آید و می کوشد تا با زتاب صادق زمانه خود باشد شعر اجتماعی سیاسی نیاز به بیان کوبنده پر تپش و هیجان آفرین دارد سستی و رخوت را از ذهن و جان خواننده بزدايد و شور و شعور ناب او را به اهتزاز در آورد. شاعر اجتماعی مخاطب را به لحن خالص زندگی، با همه زیر و بم هایش فرا می خواند. (همان منبع، ۱۱۰)

برجسته ترین ویژگی های ادبیات اجتماعی پس از کودتای دهه های ۳۰ و ۴۰ عبارتند از:

- __ افول نسبی عواطف فردی و عاشقانه در برابر عواطف و اندیشه های اجتماعی انسانی
- __ ظهور موجی توانمند از اندیشه های یاس و حسرت و شکست و پناه بردن به قلمرو رمز و سمبول و کنایه
- __ رویکرد شاعران و نویسندگان به سرچشمه های فرهنگ بومی و اقلیمی
- __ گسترش شدید جهان وطنی و به تبع آن رویکرد شاعران و نویسندگان به مسائل و مضامین چون: نبرد ویتنام، تبعیض نژادی، مبارزات ضد امپریالیستی در جهان
- __ گسترش شعر مثنوی و به تبع آن ظهور جریان هایی چون: شعر سپید، موج نو، شعر چریکی.....
- __ تاثیر پذیری از رهیافت های مدرنیستی غرب و شرق در کلیه زمینه ها: هنر فلسفه، جامعه شناسی، روان شناسی، و خصوصا شعر رمان نویسی، نمایش نامه نویسی، نقد و نظریه ادبی و..... (همان منبع، ۱۱۸)

شباهت ها و تفاوت های سمبولیک فارسی با اروپایی:

شباهت:



۱- برای بیان افکار و عواطف از زبان و بیان نمادین استفاده می شود.

۲- زبان شعر مبهم و پیچیده است.

۳- بسیاری از قواعد ادبی و عروض سنتی دستخوش تغییر شد (شروع آن در ایران از دوره مشروطه تا اینکه نمایانگذار شعر نو تحولی در شعر به وجود آورد).

۴- از نظر توجه به آهنگ و موسیقی کلمات استفاده از آن در جهت القای بهتر افکار و عواطف

تفاوت ها:

۱- عمده تکیه تاکید شاعران سمبولیسم فارسی بر عینیت و واقعیت موجود و این جهانی بود و شاعران مکتب سمبولیسم اروپایی گرایش به صور آرمانی و ایده افلاطونی داشتند.

۲- جامعه گرایی از ویژگی های محوری و مبنایی شاعران سمبولیسم فارسی است و خود را متعهد به آن می دانند اما شاعران سمبولیسم اروپایی اعتقاد و التزامی به مسائلسیاسی و اجتماعی ندارد.

۳- شاعران نماد گرایی فارسی معتقدند که شعر باید حاوی پیامی برای مخاطبان خود باشد در حالی که شاعران سمبولیسم اروپایی هیچ گونه جنبه تعلیمی و آموزندگی برای شعر قایل نبودند.

۴- شاعران مکتب سمبولیسم اروپایی برای درک حقیقت به تصور و تخیل بیش از تکرار ارزش می دهد در حالی که شاعران سمبولیسم اجتماعی فارسی در کنار عناصر تخیلی، به درک و دریافت های فکری و فلسفی اهمیت بسیاری داده اند.

سمبولیسم در شعر اخوان

به یقین می توان گفت که اخوان یکی از بزرگترین شاعران سمبولیسم ایران است در شعر اخوان پیش از آن که یک اصل هنری باشد، ضرورتی است که شعر او را از ابتدال و روزمرگی می رهاوند. از این ها گذشته شرایط سیاسی و اجتماعی خاص کشور و درگیری همیشگی شاعر با حوادث جامعه ی ایرانی او را به شاعری سیاسی بدل ساخت و مکتب سمبولیسم او را یاری می دهد تا درگیر سیاست و سیاست زدگی نشود و در پوشش نماد و رمز سخن بگوید. برجسته ترین اشعار او که هرگز رنگ کهنگی نخواهد گرفت اشعار سمبولیستی او هستند اشعاری چون «زمستان»، «کتیبه»، «مرد و مرکب»، «ناگه غروب کدامین ستاره»، «قصه ی شهر تنگستان» و «میراث» در زمره ی مهمترین اشعار رمزی او شمرده می شوند.

کودتای ۲۸ مرداد و نأثیر آن بر سرودهای اخوان

در ساعت ۳:۰۳ بعد از ظهر ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش دکتر محمد مصدق، نخست وزیر برگزیده ی مردم ایران، سرنگون شد و ابو الفضل زاهدی به نخست وزیری ایران رسید (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۲) آن دوره که یکی از تاریک ترین دوران های تاریخ معاصر ایران به شمار می رود، همه ی ابعاد زندگی حتی شعر و ادب را نیز تحت تأثیر خود قرار داد، به گونه ای که شاعران متعهد و درد آشنا مجبور شدند، زبانی نمادین برای بیان مسائل اجتماعی و سیاسی و انعکاس آن ها



برگزینند. یکی از این افراد مهدی اخوان ثالث بود. «در سالی - که شاعر، تازه ۲۲ سال دارد - مصدق نخست وزیر می شود، اخوان به او دل می بندد و انعکاس آن را در دو شعری که بعدها به یاد مصدق می سراید، می بینیم» (رحیمی، ۱۳۷۰: ۵۵۲) اما تند باد واقعه‌ی ۲۸ مرداد، همه‌ی آرزوهای شاعر را بر باد می دهد. مصدق، پیر و مراد اخوان یا به تعبیر او "پیر محمد احمد آبادی" خانه نشین می گردد. دولت مردمی ساقط می شود، شاه برمی گردد و آزادی جای خود را به دیکتاتوری می دهد. پیامد آن، از بین رفتن آزادی‌ها، قلع و قمع مبارزان، زندان، شکنجه و مسائلی از این دست است که سکوتی اجباری را بر فضای ادب ایران تحمیل می کند که حاصل آن یأس و نومییدی شدید روشنفکران است. در نتیجه‌ی همین حس و مضمون مرگ و یأس، در کنار آن مضمون دیگری رشد کرد و آن پناه بردن به افیون و میخانه و مستی و گریز از هشیاری و ستیز و مبارزه است. این ویژگی، بیشتر در نتیجه‌ی یأس و شکست بعد از ۸۲ مرداد برای روشنفکران بوجود آمده بود. در آن جو یأس و مرگ، اندک اندک مضامین و تم‌هایی از قبیل ستایش میخانه و می و پناه بردن به افیون و هروئین رواج یافت و بسیاری از شاعران این نسل در غبار گم شدند و این‌ها همه نتیجه‌ی ۸۲ مرداد بود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۶۱).

«یکی از درون مایه‌ها و تم‌های حاکم بر شعر این دوره، مسأله‌ی ستیز امید و نومییدی است. می شود بین شعرا یک خط فاصل قرار داد و عده‌ی کثیری از آن‌ها را شاعران ناامید و مأیوس نامید که پرچم دارشان اخوان ثالث است» (همان، ۶۳)

اخوان شعر خود را آینه‌ی انعکاس این ناامیدی‌ها و بیان ریشه و منشأ آن قرار می دهد و برای این کار با روی آوردن به سمبولیسم اجتماعی، زبان نمادین را برمیگزیند. دو شعر "زمستان" و "نادر یا اسکندر" او بهترین مصداق این مفهوم به شمار می‌روند. زرقانی تصویر اخوان را در اشعار سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ در مجموعه‌ی زمستان، تصویر شاعری «نومید از مردم، پر خاشاک، خشمگین، اندوهگین، گرفتار یأس اجتماعی و دارای رویکرد خوشباشی‌های تخطیری» معرفی می‌کند (زرقانی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). وی مجموعه‌ی اشعار "آخر شاهنامه" را هم که بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ سروده شده، ادامه‌ی منطقی مجموعه‌ی زمستان می‌داند و تصویر اخوان را در سروده‌هایی چون "نادر یا اسکندر"، "قولی در ابو عطا"، "چه آرزوها"، "وداع"، "برف"، "قصیده"، "سر کوه بلند"، "مرثیه"، "گفتگو" و "قاصدک" را تصویری دارای یأس فردی و اجتماعی معرفی می‌کند که به این باور دردناک رسیده که همه چیز را از کف داده است (همان، ۲۱۱).

اندوه و یأس

یأس و بدبینی خصوصیت بارز شاعران سمبولیست است گویی آنها از آنها فقط مرداب، از فصل‌ها فقط فصل پائیز و زمستان و از رنگ‌ها فقط زردی را می بینند. در مورد اخوان باید گفت که یأس و اندوه ویژگی بارز اشعار اوست اخوان شاعری سیاسی است او بی آنکه به سیاست مانند روزنامه نگاران و سیاستمداران بپردازد و صریحا به آن تظاهر کند، از آن سخن می‌گوید شعر او مدام از وقایع سیاسی که بر ایران می‌گذرد بارور می‌شود. اندوه و یأس اخوان از شکست انسان ایرانی و نرسیدن او به جایگاه درخور است. کودتای ۲۸ مرداد و شکست‌های پی در پی سیاسی گروه‌ها و احزاب و زد و بندها و سازش‌هایی که قبل و بعد از این ایام شکل گرفت آن چنان تأثیری در شعر امید بر جای گذاشت که می‌توان اشعار او را به دو دوره‌ی «قبل از شکست و بعد از شکست» تقسیم کرد.

شعر زمستان که در سال ۱۳۳۴ یعنی دو سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد سروده شده فضای مغموم و سرشار از یأس جامعه‌ی شکست خورده‌ی ایرانی را نشان می‌دهد. از سرهایی که در گریبان فرو رفته و انسانهای مغمومی که در لاک خود هستند سخن می‌گوید. شاعر می‌گوید که انسان حتی به نزدیکترین کسش هم نمی‌تواند اطمینان کند. حتی نفس انسان که (نماد نزدیکترین کس اوست) نیز در مقابل او چون دیواری می‌ایستد:

نفس کز گرمگاه سینه می‌آید برون ابری شود تاریک



چو دیوار ایستد در پیش چشمانت

نفس کاین است پس دیگر چه داری چشم

ز چشم دوستان دور یا نزدیک..... (اخوان ثالث، ۹۸:۱۳۷۰)

در این فضای مغموم یخبندان شاعر نمی تواند به خود امید رهایی و رسیدن به روزهای بهتر بدهد و می داند که امید به فردای بهتر داشتن تنها خود را فریب دادن است.

چه می گویی که بیگه شد، سحر شد بامداد

فریبت می دهد در آسمان این سرخی بعد از سحر که نیست

حریفاً گوش سرما برده است این یادگار سیلی سرد زمستان است..... (اخوان ثالث، ۹۹:۱۳۷۰)

درست است که بخش عمده ای از توصیفات این شعر به زمستان، سرما و شب و یخبندان اختصاص دارد اما اگر در این وصف بمانیم و پا فراتر نگذاریم، نمی توانیم مقصود حقیقی شاعر را درک کنیم، بنابراین دریافت معنی شعر، بستگی به درک زبان نمادین شاعر دارد. در «نادر یا اسکندر» فضای یاس و ناامیدی را نشان می دهد، آرامشی است که ناشی از ناامیدی و افسردگی افراد جامعه است:

آبها از آسیاب افتاده است

الی.....

در مزار آباد شهر بی تپش،

وای جغد هم نمی آید به گوش

دردمندان بی خروش . بی فغان

خشمناکان بی فغان و بی خروش (اخوان ثالث، ۱۹:۱۳۷۸)

در شعر «میراث» از پیشینه ی مبارزات مردم کشورش و از تلاش های ملت ایران برای بهتر کردن اوضاع و پیشرفت وطنشان می گوید اما باز هم به یاس و حسرت می رسد:

سالها زین پیشتر در ساحل پرحاصل جیحون

بس پدرم از جان و دل کوشید

تا مگر کاین پوستین را نو کند بنیاد

او چنین می گفت و بودش یاد:



داشت کم شبکلاه و جبه ی من نو ترک می شد

کشتکگام برگ و بر می داد

ناگهان طوفان خشمی سرنگون برخاست....(اخوان ثالث، ۱۳۷۸: ۳۶)

در شعر «قصه ی شهر سنگستان» شاعر مطابق قصه های قدیمی که معمولا روایت را با دو کبوتر پیشگو آغاز می کنند، داستان را شروع کرده، دو کبوتر هر کدام آینده ی شهریار غریب و تنها را پیش بینی می کنند و یکی از آنها که از سرگذشت او نا آگاه است اما راههای نجاتی می شناسد، می خواهد او را یار ی دهد بلکه نجات پیدا کند اما در نهایت همه ی راهنمایی ها بی نتیجه است و روشن می شود که چاره ای جز تسلیم سرنوشت شدن نیست و امیدی به نجات شهریار نمی رود، تمام راهها بن بست است به شرق و غرب امیدی نیست و در این فضای یاس و ناامیدی گویا مرگ تنها راه رهایی از این تنگناهاست!

از این سو، سوی خفتنگاه مهر و ماه راهی نیست

بیابان های بی فریاد و کھساران خار و خشک و بی رحم است

وزان سو، سوی رستنگاه ماه و مهر هم کس را پناهی نیست

یکی دریای هول و حابلیست و خشم طوفانها

سه دیگر سوی تفته دورخی پرتاب

و آن دیگر بسیط ز مهری ست و زمستانها

رهایی را اگر راهی یست

جز از راهی که روید زان گلی، خاری، گیاهی نیست (اخوان ثالث، ۱۳۷۹: ۱۶)

روشن می شود که این شهریار همان «بهرام ورجاوند» انسان آرمانی ایرانیان و قهرمان اسطوره ایست که مردم سرزمین پارس امید به او داشتند تا میهنشان را نجات دهد و به رستگاری برساند:

نشانی ها که می بینیم دراو بهرام را ماند

همان بهرام ورجاوند

که پیش از روز رستاخیز خواهد ساخت (اخوان ثالث، ۱۳۷۹: ۱۷)

اما این قهرمان با مردمی روبروست که غبار سالیان شکست بر اراده ی آنها نشسته و آنها را از اصل دور کرده و در موقع خطر به یاری برگزیدگان خود نمی شتابند و چون سنگ بی حرکت مانده اند:

اگر تقدیر نفرین کرد یا شیاطن فسون هر دست یا دستان



صدایی بر نیامد

از سری؛ زیرا همه ناگاه سنگ و سرد گردیدند

از اینجا نام او شد شهریار شهر سنگستان

و می افتاد و بر می خاست گریان نعره می زد باز:

«- دلیران من! اما سنگها خاموش (اخوان ثالث، ۱۳۷۹: ۲۰)

اخوان شهریار خود را از هفت خوان، از هفت وادی عبور می دهد، به امید آنکه پیروز شود و سعادت را به ایران شهر بازگرداند؛ آنگونه که کبوتران بشارت گوی گفته بودند سرو تن در آب چشمه می شوئد و هفت ریگ را به یاد هفت امشاسبندان برمی دارد و در چاه می اندازد در کنار آذر مقدس نمازی گرم و پرشور می گذارد، اما دودی سیاه از چاه سربر می آورد، یعنی که بشارت های کبوتران سرابی بیش نبوده است! و سرانجام شهریار ناامید و نالان از همه جا، سر در غار می کند و غم دل با «شکسته بازوان میترا» که نماد پیروز یهای نابود شده ی ایرانیان است، می گوید و پژواک صدای او در غار طنین انداز می شود و یاس و اندوه را دوچندان می کند:

غم دل با تو گویم غارا

بگو ایا مرا دیگر امید رستگاری نیست؟

صدا

نالنده پاسخ داد:

آری نیست؟ (اخوان ثالث، ۱۳۷۹: ۲۲)

سمبولیسم اخوان در خدمت اجتماع است نمادهایش سمت و سوی اجتماعی دارند و بی آن که از حزب یا گروه سیاسی خاصی سخن بگویند به مشکلات کلی جامعه ی ایرانی می پردازد و مسائلی سیاسی و اجتماعی را با زبان رمز بیان می کند ترسیم فضای کلی جامعه و سخن گفتن از آرزوهایی که جامعه ی ایرانی در سر داشت و هیچ گاه محقق نشد و توصیف مصائبی چون فقر و جهل که دامنگیر هم میهنان است، درونمایه ی اشعار اجتماعی اخوان هستند:

فقر و فساد

در شعر «به مهتابی که بر گورستان می تابید» فضای جامعه ی ایرانی را خاموش و سرد هم چون گورستان

توصیف می کند و از فقری که بر مردم نجیب تحمیل شده و از فسادی که دامنگیر طبقه ی فقیر است، شکایت می کند:

حیف از تو ای مهتاب شهریور که ناچار

باید برین ویرانه محزون بتابی



و از هر کجا

گیری سراغ زندگی را

افسوس ای مهتاب شهریور نیایی

یک شهر گورستان صفت، پژمرده، خاموش

الی.....

یا ناله ی جانسوز مسکینان فقیران

بدبخت ها ، بیچاره ها، بی خانمان ها

الی.....

بینی گدایی هر به گامی رقت انگیز

یا هر به دستی عاجزی از عمر بیزار (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۵۸)

«زمستان» تصویر فضای جامعه ی آن روز ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد است. مردمی که در لاک خود فرو رفته اند و «سرهاشان» در گریبان است، شاعر خود را متعلق به هیچ جناح و حزب خاصی نمی داند، بلکه تنها خود را انسانی درد آشنا می داند که از آن چه بر مردمش می گذرد در رنج است:

منم من میهمان هر شب لولی وش مغموم

منم من سنگ تپیا خورد رنجور

منم دشنام پست آفرینش نغمه ی ناجور

نه از رومم، نه از زنگم، همان بیرنگ بیرنگم (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۱۰۰)

در «قصه ی شهر سنگستان» شاعر وضعیت کنونی ایران را در مقایسه با کشورهای پیشرفته بیان می کند و هدف او از خلق شهریار اسطوره ای تغییر در فکر و رفتار میدمی است که از گذشته ی باشکوه خود بریده اند و اکنون جز اندوه و حسرت کاری از دستشان ساخته نیست. شهریار نماد مصدق و یا هر انسان آزاده ی دیگری است که برای بازگرداندن اعتلای ایران تلاش کرد اما هیچ کس ندای فریاد خواهی او را پاسخ نداد و سرانجام خاموش شد.

آزادی

آزادی از مفاهیم دیگری است که اخوان در اشعار نمادین خود به آن پرداخته است درون مایه ی اشعاری چون «سترون»، «طلوع» و «گرگها و سگها» آزادی است. در طلوع از کبوترهایی سخن مس گوید که آزادانه در آسمان پرواز می کنند و کبوتر که همواره رمز صلح بوده در فضا سازی اخوان با پروازش در آسمان، نماد اندیشه ی شاعری است که در جستجوی آزادی است:



چه طواری و چه پروازی

دور باد از حشمت معصومشان افسون صیادان

خستگی از بالهانشان دور

وز دلکهاشان غمان تا جاودان محجور (اخوان، ۱۳۷۸: ۳۲)

در شعر «گرگها و سگها» از دو خاص انسانها صحبت می کند؛ سگها نماد انسان هایی هستند که شرافت خود را فروخته اند و در ازای آن راحتی و آسایش به دست آورده اند؛ آنان که در برابر خیانت ها چشم فرومی بندند و ساکت می نشینند و گرگها نماد آنایی هستند که در برابر خیانت و ظلم ایستادگی می کنند و اگر چه هستی خود را می بازند و بویی از راحتی و آسایش نمی برند اما آزاده زندگی می کنند و به آزادگی خود می بالند.

شکست

اختناق سیاسی و اجتماعی تلاش های روشنفکران برای بهبود وضعیت اجتماعی، در اشعار شاعر انعکاس یافته است. مسأله ی شکست در شعر «سترون» نشان داده می شود «سیاهی رمز وعده های دروغین سیاست مدارانی است که مردم را فریب دادند و در نهایت به هیچ یک از تعهدات خود عمل نکردند؛

سیاهی گفت اینک من بهین فرزند دریاها

شما را ای گروه تشنگان سیراب خواهم کرد

چه لذت بخش و مطبوع است مهتاب پس از باران

پس از باران جهان را غرقه در مهتاب خواهم کرد. (اخوان، ۱۳۷۰: ۴۶)

این شعر را اخوان در زمان نخست وزیری مصدق سروده است و دور نیست اگر بگوئیم که این سروده طعنه ای است به مصدق و دریابیم که اخوان به دلیل گرایش به حزب توده و تحت تاثیر اندیشه های این حزب در یک برهه ی زمانی با مصدق مخالف بوده و بخصوص که در ادامه ی شعر نکته ای آمده که نشانگر برداشتی است که حزب توده از مصدق داشته و او را تحت تاثیر آمریکا می دانسته است:

زبردستی که دایم می مکد خون و طراوت را

نهان در پشت این ابر دروغین بود

و می خندید (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۴۶)

و مردم که امیدوارانه چشم به وعده های آنان دوخته اند ناامید می شوند اما باز هم از انتظار دست نمی کشند و در این گیر و دار تنها کسانی که درک درستی از حقیقت و اوضاع داشته باشند می توانند بفهمند که این وعده ها سرابی بیش نیست و از جمله ی این افراد دهقانی است که آینده را پیش گویی می کند:

و آن پیر دروگر گفت با لبخند زهر آگین



فضا را تیره می دارد، ولی هرگز نمی بارد (اخوان ثالث، ۱۳۷۰:۴۸)

وطن (تعهد و التزام)

ایران در شعر اخوان یکی از پربسامدترین مفاهیم است. اخوان حتی در روزگار یاس و ناامیدی و هنگامی که پیروزی و کامیابی را از وطن دور می بیند باز هم به عشقی مثال زدنی میهن را می ستاید و علی رغم همه ی ناکامی ها آرزو می کند، وطن ویران شده باز همچون ققنوس سر از خاکستر بردارد و دوباره متولد شود «در باغ من» از وطنش حرف می زند که خزان بر آن حمله برده و از هر زینتی عریان شده است و تنها صدای باد و باران در آن شنیده می شود:

ساز او باران سرودش باد

جامعه اش شولای عریانی است (اخوان، ۱۳۷۰:۱۵۳)

اما با این وجود اینجا هنوز همان باغ است که روزگاری سبز و خرم بوده هرچند خزان آن را غارت کرده هنوز هم زیبا و خواستنی است:

گر چه ز چشمش پرتو گرمی نمی تابد،

ور به رویش برگ لبخندی نمی روید ،

باغ بی برگی که می گوید که زیبا نیست

داستان از میوه های سر به گردون سایه اینک خفته در تابوت پست خاک می گوید. (اخوان ثالث، ۱۳۷۰:۱۵۳)

«میراث» از پوستین کهنه ای سخن می گوید که از نیاکان به یادگار مانده است پوستین بی گمان نماد فرهنگ و تمدن کهن ایرانی است و اخوان با وجود فرسوده بودنش آن را سرمایه ای جاودانی می داند که نظیری برایش نیست، و آن را با هیچ جبه ی زربفت رنگین، که می تواند نماد غرب یا تمدن های دیگر باشد عوض نمی کند و از دخترش لاله و نیز تمام آیندگان می خواهد که در نگهداریش بکوشند و آن را وا نگذارند:

پوستینی کهنه دارم، من

یادگار از روزگارانی غبار آلود

مانده میراث از نیاکانم مرا،

این روزگار آلود

های ، فرزندانم!

بشنو هشدار

من این سالخورده جاودان مانند



با بر و دوش تو دارد کار

لیک هیجت غم مباد از این،

کو کدامین جبه ی زربفت رنگی میشناسی تو

کز مرقع پوستین کهنه من پاکتر باشد؟

با کدامین خلعتش ایا بدل سازم

که م نه در سودا ضرر باشد؟

ای دختر جان!

همچنانکس پاک و دور از رقع آلودگان میدار (اخوان، ۱۳۷۸: ۳۹)

آرمان شهر اخوان

وقتی از درون مایه ی آثار اخوان می گوئیم و یاس را موضوع تمام اشعار او می یابیم؛ به نظر می رسد نمی توان آرمان شهری را در آثار او تصور کرد چرا که برای انسان ناامید همه جا تیره و سیاه است و در چنین شرایطی نمی توان از شاعر انتظار توصیف مکانی را داشت که از هرگونه کاستی و الودگی تهی باشد اما اخوان اگر چه در زمانه ی تیرگی ها زیسته است با وجود این باز هم شهری برتر با خصوصیات آرمانی وصف می کند اما این شهر در عصر حاضر قابل تصور نیست اخوان در جامعه ی امروز و در فضای کنونی به چنین شهری نمی رسد و با روندی که جامعه طی می کند انتظار سربر آوردن اینچنین مکانی را در آینده نیز ندارد؛ بنابراین ناچار به گذشته پل می زند، او که تعلق خاطری خاص به ایران باستان دارد، دوران شکوه ایران را می بیند و به همین دلیل با یاد کردن عناصر و شخصیت های ایران کهن خصوصیات آرمان شهر خود را کامل می کند سپس به دنبال علل این ضعف و عقب ماندگی می گردد و ریشه ی آن را در عدم بیداری و هوشیاری جامعه می داند.

استنتاج

اگر بخواهیم شعر معاصر فارسی را به جریانهای مشخص و متمایز از هم تقسیم کنیم، یکی از مهمترین این جریانها، جریان سمبولیسم اجتماعی خواهد بود سبیل (Symbol) را در فارسی رمز، مظهر و نماد می گویند. آن چه ما نمادش می نامیم یک اصطلاح است. یک نام یا نمایه ای که افزون بر معانی قرار دادی و آشکار و روزمره خود دارای معانی متناقض نیز باشد. نماد شامل چیزی گنگ، ناشناخته یا پنهان از ماست ... یک کلمه یا یک نماد، هنگامی نمادین می شود که چیزی بیش از مفهوم آشکار و بدون واسطه خود داشته باشد. این کلمه یا نمایه جنبه ناخودآگاه گسترده تری دارد که هرگز، نه می تواند به گونه ای دقیق مشخص شود و نه به طور کامل توضیح داده شود. و هیچ کس هم امیدی به انجام این کار ندارد.

مهدی اخوان ثالث یکی از برجسته ترین شاعران جریان سمبولیسم اجتماعی در ایران است استفاده از نمادهای ایران باستان، سبب تولد دوباره فرهنگ و تمدن از یاد رفته ایران در قرن حاضر است و از این بابت زبان و ادب فارسی خود را مدیون اخوان می داند. اشعار اخوان به دلیل گرایش او به وطن و ملی گرایی (اندیشه ناسیونالیستی) از سنتهای ملی و کهن سرشار است شعر او از جلوه های مختلف ملی و طبیعی اعم از نام اشخاص و اماکن تاریخی به داستانهای



فارسی، ضرب المثلهای فارسی و اعتقادات عامه آکنده است. دلیل استفاده اخوان از زبان و بیان نمادین، بنا به شرایط و اوضاع جامعه (استبداد) است و به همین جهت شاعر واژگان مختلفی را از بین گیاهان، حیوانات، و یا اساطیر کهن ایران انتخاب می کند تا بتواند مقصود سیاسی و اجتماعی خود را به خواننده القا کند آن چه مسلم است، بسیاری از واژه های کلیدی اشعار اخوان دارای بافت سمبلیک است و بدون در نظر گرفتن معنای نمادین آن ها، شعرهای او قابل فهم نیست. زمستان، بهرام ورجاوند، کبوتر، زمستان و گرگ، سیاهی نمادهای معروف تری هستند که اخوان از آنان بهره فراوان برای مقصود خود استفاده کرده است.

کتابنامه

- ۱- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۹)، **از این اوستا**، تهران، انتشارات مروارید، چاپ یازدهم
- ۲- -----، (۱۳۷۰)، **زمستان**، تهران، انتشارات مروارید
- ۳- -----، (۱۳۷۸)، **آخر شاهنامه**، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دهم
- ۴- -----، (۱۳۷۹)، **ارغنون**، تهران، انتشارات مروارید، چاپ یازدهم
- ۵- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، **سفر در مه**، تهران، انتشارات نگاه، ویراست جدید
- ۶- تولستوی، لئون، (۱۳۵۰)، **هنر چیست**، ترجمه ی کاوه دهگان، تهران، انتشارات امیر کبیر
- ۷- تسلیمی، علی، (۱۳۸۳)، **گزاره هایی در ادبیات معاصر ایران (شعر)**، تهران، چاپ اول، انتشارات اختران
- ۸- چدویک، چارلز، (۱۳۷۵)، **سمبولیسم**، ترجمه ی مهدی سبحانی، چاپ اول، نشر مرکز
- ۹- حمیدیان، سعید، (۱۳۸۳)، **داستان دگر دیسی**، تهران، انتشارات نیلوفر
- ۱۰- رحیمی، مصطفی، (۱۳۷۰)، **صفحه ای از افکار اجتماعی اخوان "باغ بی برگی"**، (یادنامه مهدی اخوان ثالث). به اهتمام مرتضی کاخی، تهران، آگاه و دیگران.
- ۱۱- زرقانی، مهدی، (۱۳۷۸)، **چشم انداز شعر معاصر ایران**، نشر ثالث، تهران، چاپ سوم
- ۱۲- -----، (۱۳۸۲)، **اخوان در آینه ی شعرش**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۶۳
- ۱۳- سید حسینی، رضا، (۱۳۸۷)، **مکتب های ادبی**، تهران، انتشارات نگاه، ج اول
- ۱۴- شفیع کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، **ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت**، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول
- ۱۵- شمیسا، سیروس، و حسین پور چافی، علی (۱۳۸۰)، **جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی**، مدرس علوم انسانی، شماره ۳-۲۷-۴۲
- ۱۶- لنگرودی، شمس. (۱۳۷۷)؛ **تاریخ تحلیلی شعر نو**، جلد دوم- تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۷- یزدی نژاد، زهرا (۱۳۹۲)، **دوباره باران (منتخب مقالات کنگره شعر اجتماعی)**، چاپ دوم، انتشارات خورشید باران
- ۱۸- یوشیج، نیما (۱۳۵۱)، **ارزش احساسات و پنج مقاله در شعر و نمایش**، انتشارات گوتنبرگ، تهران، چاپ دوم